

خبرهای روز

راه اندازی «ستاد امنیت روان و آرام بخشی»

در استان‌ها

ایسنا: رئیس سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور از راه‌اندازی «ستاد امنیت روان و آرام بخشی» در مرکز و استان‌ها و در راستای خنثی‌کردن اهداف دشمن از طریق تخریب روحیه مردم خبر داد و گفت: تا این لحظه، بیش از هزار روان‌شناس داوطلب در ستاد ثبت‌نام کرده‌اند که بخشی از این نیروها در اختیار هلال‌احمر، بخشی در اختیار سازمان بهزیستی و بخش دیگری در مراکز خود سازمان نظام روان‌شناسی قرار می‌گیرند. محمد حاتم‌ی با اشاره به جنبه‌های روان‌شناختی جنگ اخیر افزود: «با توقف درگیری‌ها، باید به آسیب‌هایی که مردم از نظر روانی متحمل شده‌اند، رسیدگی شود. بسیاری از مردم، چه کسانی که در معرض مستقیم بودند و چه آنان که اخبار را دنبال می‌کردند، دچار اضطراب، ترس و اختلالات مختلفی شده‌اند. به همین دلیل، سازمان نظام روان‌شناسی ستادی را تشکیل داده تا این موضوع به‌طور ویژه رصد و مدیریت شود». او ادامه داد: «در این ستاد، کمیته‌های تخصصی برای کودکان و نوجوانان، سالمندان، خانواده‌های شهدا و آسیب‌دیدگان و نیز اختلالات روانی پس از جنگ (از جمله PTSD) شکل گرفته‌اند. این کمیته‌ها هم نقش نظارتی دارند و هم آماده ارائه نیروی انسانی متخصص به نهادهایی مانند سازمان بهزیستی، وزارت بهداشت، کمیته امداد و حتی نهادهای نظامی هستند».

اعمال محدودیت ترافیکی تا ۱۶ تیر

محدودیت ترافیکی در برخی از محورهای مواصلاتی کشور از امروز تا ۱۶ تیرماه اعلام شد. براساس اعلام مرکز مدیریت راه‌های کشور، همچنین موتورسیکلت‌ها (به استثنای موتورسیکلت‌های انتظامی و امدادی برای انجام مأموریت‌های ضروری) از ساعت ۱۲ روز چهارشنبه (۱۱ تیر) تا ساعت ۶ صبح روز دوشنبه (۱۶ تیرماه) از محورهای کرج – جالوس، هراز، فیروزکوه، تهران – سمنان – مشهد و بالعکس ممنوع است. تردد انواع وسایل نقلیه در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه (۱۲ و ۱۳ تیرماه) در صورت پر حجم‌بودن ترافیکی، از ساعت ۱۲ تا مرزن‌آباد به سمت تهران (شمال به جنوب) محور به‌طور کامل مسدود می‌شود. همچنین از ساعت ۱۴ محدودیت یک‌طرفه از ابتدای پل زنگوله (انتهای دهانه شمالی تونل البرز به سمت جالوس) اعمال شده و با اتمام زمان اجرای طرح محدودیت یک‌طرفه از ساعت ۲۴، تردد وسایل نقلیه از پل زنگوله تا مرزن‌آباد در مسیر دوطرفه انجام می‌شود. در روزهای جمعه و شنبه (۱۳ و ۱۴ تیرماه) در صورت افزایش حجم ترافیکی، محدودیت تردد در مسیرهای رفت یا برگشت بنا بر صلاح‌دید مأموران پلیس راه اعمال خواهد شد. بر پایه این گزارش و در صورت پر حجم‌بودن ترافیکی، محدودیت تردد انواع وسایل نقلیه از ساعت ۱۰ روز دوشنبه (۱۶ تیرماه) از ابتدای آزادراه تهران–شمال به مقصد جالوس اعمال و همچنین از ساعت ۱۱ از ابتدای پل زنگوله (انتهای دهانه شمالی تونل البرز به سمت جالوس) ممنوعیت تردد اعمال می‌شود. از ساعت ۱۳ محدودیت تردد یک‌طرفه از مرزن‌آباد به سمت تهران (شمال به جنوب) اعمال شده و با اتمام این طرح از ساعت ۲۴، تردد وسایل نقلیه از پل زنگوله تا مرزن‌آباد در مسیر دوطرفه انجام می‌شود. تردد از مسیر جاده قدیم کرج– جالوس تا محدوده تونل کندوان برای ساکنان و افراد محلی آزاد بوده، اما در روزهای اعمال محدودیت جنوب به شمال، تردد وسایل نقلیه از ساعت ۷ صبح از میدان امیرکبیر به سمت جالوس ممنوع است. از ساعت ۸ روز یکشنبه (۱۵ تیرماه)، محدودیت تردد از ابتدای آزادراه تهران–شمال به مقصد آزادباده و از ساعت ۹ نیز تردد از ابتدای پل زنگوله (انتهای دهانه شمالی تونل البرز به سمت جالوس) ممنوع خواهد بود. محدودیت یک‌طرفه از ساعت ۱۱ از مرزن‌آباد به سمت تهران (شمال به جنوب) اعمال شده و با اتمام اجرای زمان این طرح، از ساعت ۲۴ تردد وسایل نقلیه از پل زنگوله تا مرزن‌آباد در مسیر دوطرفه انجام می‌شود. در صورت افزایش حجم ترافیکی و صلاح‌دید مأموران پلیس راه، محدودیت یک‌طرفه مقطعی از روز چهارشنبه (۱۱ تیر) تا روز دوشنبه (۱۶ تیرماه) به صورت رفت و برگشت از محدوده پلور تا پلیس راه لاریجان و بالعکس انجام خواهد شد.

گزارش

لباس‌ها را از روی بندرخت بردند

قبل از اینکه در اتاقم را باز کنم، متوجه شدم که جعبه حاوی اتوی مو و سشوار دم در گذاشته شده و داخل آن خالی است. وقتی در اتاق را باز کردم، متوجه شدم که اتوی مو، سشوار و اتوی لباسم داخل اتاق هم نیست. چند دست لباس هم روی چمدانم بود که آنها را هم برداشته بودند.» او تأکید می‌کند که با توجه به سرعت‌های صورت‌گرفته به نظر می‌رسد سارق یا سارقان بیشتر به دنبال لوازم برقی بوده‌اند؛ «پنجال هم خالی شده و هرچه را داخلش بوده، برده‌اند. در ظاهر اتاق من و برخی دیگر از اتاق‌ها مشخص بود که همه لوازم دانشجویان را بیرون آورده و آن‌قدر هم فرصت داشته‌اند که آنچه را نیاز دارند سر فرصت انتخاب کرده و بزدند. آنچه را هم که لازم نداشتند، سر جای خود گذاشته‌اند.» مینا هم موضوع را به سرپرست خوابگاه گزارش می‌دهد اما پاسخ سرپرست اظهار ناراحتی است و وعده پیگیری موضوع: «به او گفتم موضوع را به ۱۱ گزارش می‌کنم تا تکلیف ماجرا روشن شود، اما سرپرست عنوان کرد نیازی نیست و برای دانشگاه‌ها مان بد می‌شود. وقتی امنیت نباشد، من چگونه درس بخوانم؟ لابد آن زمان هم می‌خواهند بگویند خودتان مقصر هستید. سرپرست می‌گوید یکی از بچه‌ها قبل از رفتن در را قفل نکرده و ما این کار را به جای شما انجام دادیم. اما موضوع این است که کلید اتاق‌ها در بازه زمانی تعطیلی خوابگاه دست چه کسی بوده است.» او از این موضوع که آیا در طول روزهای تعطیل مسئولان مربوطه در خوابگاه حضور داشته‌اند یا خیر، اظهار بی‌اطلاعی می‌کند: «ما به ششورای صنفی دانشگاه هم موضوع را اطلاع دادیم و آنها هم در گروه‌های مرتبط با دانشگاه اطلاع‌رسانی کرده‌اند، اما اقدام دیگری برای پیگیری موضوع انجام نداده‌اند. همیشه روال همین بوده که اتفاقات رخ می‌دهند اما آن‌قدر کسی پیگیری نمی‌کند که سرانجام فراموش می‌شوند، اما امیدوارم این بار خسارت تک‌تک دانشجویان را بدهند. به چه علت خوابگاه ما نباید دوربین داشته باشد؟ چرا باید کلیدها در اختیار هر کسی قرار بگیرد؟ نگهبان به من گفت چند روز پیش یک خانم و دخترش به خوابگاه آمدند و کلی وسیله بردند. من از نگهبان سؤال کردم که چرا بررسی نکرده‌اند که چه شخصی وارد خوابگاه می‌شود؟ آیا فرد واردشده کلید اتاق خودش را می‌برد؟ همیشه هم این بی‌توجهی وجود داشته است.» کیانا معتقد است که سارق با شرایط خوابگاه و نظارت کم آن آگاه بوده است: «او خبر داشته که دانشجویان در خوابگاه نیستند و کلید اتاق‌ها در اتاق سرپرستی است، به همین دلیل هم به راحتی وارد خوابگاه شده و تک‌تک درها را باز کرده و هرچه خواسته برداشته است.»

کلید را تحویل خوابگاه ندادیم

ماجرای نگار اما کمی متفاوت است. آنها کلید اتاقشان را به مسئولان خوابگاه تحویل نمی‌دهند و می‌روند. او به «شرق» می‌گوید: «هر اتاق مثل یک سویت است که آشپزخانه آن بیرون از اتاق و بدون در است. از من تنها یک دستگه موکاپات با قهوه سرقت شده که در آشپزخانه بود. البته با توجه به سابقه سرقت‌ها در خوابگاه موضوع برایم خیلی دور از ذهن نبود. من ۲۳ خرداد خوابگاه را ترک کردم و دو روز پیش که به خوابگاه بازگشتم، متوجه شدم دستگام در آشپزخانه نیست، اما اتاق دست‌نخورده بود و وسیله‌ای از آن کم نشده بود. تنها کلید اتاق‌ها من دست یکی از هم‌اتاقی‌هایمان بود.»

گزارش میدانی «شرق» از بیمارستان سوختگی مطهری که در یازدهمین روز جنگ مورد اصابت موشک قرار گرفت و تخلیه شد

نجات بیماران زیر سقف‌های ویران و شیشه‌های شکسته

ساختمان با تخریب دیوار و در و پنجره چند روزی تخلیه شد، حالا با تعداد اندکی بیمار و باز شدن برخی بخش‌ها دوباره

فعالیتش را از سر گرفته است. در همه جای بیمارستان نشانه‌های موشکباران دیده می‌شود



نسترن فرخه

زنده می‌شود: «ما با صدای انفجار فقط توانستیم زیر میز پناه بگیریم، بعد صدای شکستن و خردشدن در و شیشه و پنجره‌های بیمارستان را شنیدیم. دیوارهای کاذب این اتاق روی سرمان آوار شد، اگر پناه نمی‌گرفتمیم حتما آسیب می‌دیدیم.» موج انفجار پنجره‌های اطراف این سالن را به‌طور کامل تخریب کرده است. برای گذشتن از کنار این ساختمان به دلیل خرده‌شیشه‌های روی زمین، باید با احتیاط حرکت کرد. یکی از پرسنل اداری بیمارستان، شیشه‌های کف حیاط را نشان می‌دهد و مثل دیگر همکارانش از ترسی که در وجودش مانده می‌گوید و توضیح می‌دهد که روز دوشنبه یکی از ترکش‌های انفجار روی ماشین همکارشان افتاد و فقط خدا رحم کرد که خودش در ماشین نبود، تمام شیشه ماشینش خرد شد: «بعد از انفجار تمام کادر بیمارستان می‌خواستند خارج شوند به همین دلیل هم ترافیک عجیبی ایجاد شد. از ظهر تا غروب درگیر انتقال بیماران بودیم».

شیشه‌هایی که بر سر کارکنان ریخت

چند متر جلوتر، سالن دیگری در محوطه حیاط بیمارستان دیده می‌شود که «بخش ترمیمی» نام دارد؛ جایی که بیشتر بیماران بعد از ترخیص باید تا مدتی برای ترمیم زخم‌هایشان اینجا بمانند. این بخش مهم حالا تخلیه شده و تعطیل است. یکی از نیروهای حراست بیمارستان که روز انفجار حضور داشت، توضیح می‌دهد: «آن لحظه تمام این سالن پر از بیمار بود که بیکاره سقف‌ها ریخت. همان موقع بیماران به بیمارستان حضرت فاطمه در یوسف‌آباد منتقل شدند». در اصلی سالن «ترمیمی» قفل است و کارمندان می‌گویند بعد از آن روز که تمام سالن تخلیه شد، هنوز سالن تعطیل است. از میان سوراخ تخته‌های پراکنده از هم دیده می‌شود که وسط سالن

رها شده‌اند. سالن را نور ضعیفی روشن کرده؛ نور شاید از میان شیشه‌های شکسته به سالن راه باز کرده است. همان نیروی خدماتی به سمت بخش‌های مختلف بیمارستان که خسارت دیده حرکت می‌کند و به بخش اورژانس می‌رسد. روی شیشه‌های سالم مسج‌های پهنی به شکل ضربدر چسبانده‌اند، برای دیگر پنجره‌های این بخش شیشه‌ای باقی نمانده، همه‌شان موقع انفجار شکسته و روی زمین ریخته‌اند. اتاق کناری مخصوص مددکاری بیمارستان بود که آنجا هم دیگر شیشه‌ای ندارد و حتی چارچوب پنجره‌ها هم فرو ریخته است. زنان جوانی که آن روز در این اتاق مشغول کار بودند، به «شرق» می‌گویند: «حدود ساعت ۱۲ ظهر بود که صدای چند انفجار پشت هم آمد. فکر می‌کنم

با انفجار سوم، دیگر بیمارستان حسابی لرزید و شیشه‌ها ریخت. همان روز بعد از انتقال بیماران، افرادی هم که برای درمان سربایی آمده بودند، از بیمارستان خارج شدند. خیلی‌ها هم با رضایت شخصی از بیمارستان ترخیص شدند». در این سالن بیشتر سقف‌ها ریخته است: «آن زمان که همه از ترس در حال فرار بودند، این سقف‌های کاذب روی سرشان افتاد». چند اهرو و پله را باید رد کرد تا به بخش رادیولوژی رسید. چیزی از در و پنجره‌های این بخش نمانده؛ دری بزرگ که دیگر شیشه‌ای روی آن نیست و محوطه پشت آن که آثار ۱۲ روز جنگ را به مردم و بیماران بی‌پناه نشان می‌دهد، باکنی خاک‌گرفته که تکه‌های در و پنجره و سقف‌های شکسته‌شده را گوشه خود جای داده است، بیش از هر جای دیگر خرابی‌ها را نشان می‌دهد. بخش بعدی، بخش زنان و کودکان است. یکی از زنان این بخش می‌گوید: «روزی که ساختمان صداوسیما را زدند، اینجا بودم، آن روز هم ترسناک بود چون بیمارستان ما هم لرزید». پرستاری که روز دوشنبه در بیمارستان بود، می‌گوید که ده‌ها نفر از بیماران در بخش مردان همان روز با رضایت شخصی از بیمارستان خارج شدند. تعدادی از خانواده‌ها با آمبولانس شخصی بیمارانشان را به خانه بردند. یکی روز روز از دیدن ساختمان‌های تخریب‌شده از انفجار بدش می‌لرزذ و اضطراب‌اش بیشتر می‌شود. یکی دیگر از پرستاران هم توضیح می‌دهد: «دوشنبه صبح شیفت من تمام شد، همان موقع که به خانه رسیدم دیدم این اتفاق افتاده است، نگران تمام همکاران و بیمارانی بودم که در بیمارستان بودند. خیلی از بیماران ما حتی توان حرکت نداشتند. در این شرایط آنها باید چه کنند؟». یکی از نیروهای خدماتی که آن روز در بیمارستان بود هم روایت می‌کند که هنگام فرار یکی از سقف کاذب‌ها رویش افتاده، با این حال، بیماران بخش کودکان را از بیمارستان خارج کرده است.

از روی پوشش‌بام بیمارستان، بیشتر ساختمان‌های نظامی و امنیتی که مورد حمله اسرائیل قرار گرفته‌اند، کامل مشخص‌اند؛ ساختمان‌های چندطبقه که بلندترین‌شان بود تخریب‌شان و سیاهی دود و آتش با گذشت چند روز همچنان رویشان را پوشانده است. برخی از کادر بیمارستان که روز دوشنبه اینجا حضور داشتند، از دیدن تصاویر بیرون‌کشیدین اجساد از زیر آوار توسط امدادگران می‌گویند؛ از اتوبوس آمبولانس‌هاییس یاد می‌کنند که پشت هم مجروح حمل می‌کرده، دست و پاهایی که از این ساختمان‌ها بیرون افتاده بود و امدادگرها باید در کوتاه‌ترین زمان آنها را جمع می‌کردند. آنها این تصاویر را فراموش نمی‌کنند.

نایز به خدمات سلامت روان

از همان روزهای اول شروع جنگ، بیمارستان شرایط جنگی اعلام کرد و بسیاری از خانواده‌ها از ترس موشکباران، بیماران خود را به خانه منتقل کردند. پریسا زندی، سوپروایزر این بیمارستان می‌گوید: «چون می‌دانستیم شرایط جنگی است به همه بیماران اجازه دادیم تا با خود همراه داشته باشند. از طرفی هر بیماری که امکانش را داشت با رضایت شخصی به خانه برگشت و با این روند تعداد بیماران در بیمارستان به حداقل رسید. آن‌قدر شرایط خاص و بحرانی بود که خیلی از بیماران یا هزینه درمانشان را کامل پرداخت نکردند یا اصلاً چیزی پرداخت نکردند. بعد از آن بخش زنان و کودکان را یکی کردیم و بخش مردان را که طبقات بالا بود به این سالن که در طبقات پایین‌تر است منتقل کردیم تا از آسیب احتمالی کم کنیم. با این حال روز دوشنبه شرایط خیلی وخیم‌تر بود، بسیاری از شیشه‌ها شکسته بود و پرسنل هم ترسیده بودند. چاره‌ای نبود جز اینکه بیماران را به جای دیگر انتقال دهیم و همان روز همه بیماران را به بیمارستان حضرت فاطمه بردیم. آنجا یک بخش ۲۸ تختی برای ما خالی کردند. حتی آنجا هم برخی خانواده‌ها با رضایت شخصی بیمار خود را به خانه بردند. در همین زمان نیروهای تأسیسات در حال تعمیر بخش‌های آسیب‌دیده بیمارستان بودند که بخشی از آن کامل شده و به همین دلیل از عصر جمعه کم‌کم بیماران را به بیمارستان برگردانیم.»

این زن جوان در بین حرف‌هایش به سختی کارشان در همین شرایط اشاره می‌کند: «شغل ما شبیه مشاغل نظامی است که در شرایط بحران باید حاضر باشیم. با این حال به دلیل اضطرابی که از سر گذرانیم‌دهم دچار یک بحران شدید. شاید اگر دانشگاه و دیگر ارگان‌ها به این موضوع توجه داشته باشند و برای کادر درمان و دیگر نیروهای بیمارستان خدمات سلامت روان در نظر بگیرند، بهتر است؛ چون این نیروها مستقیم با بیماران در ارتباط هستند».

